تحلیل مستند «پرویز ثابتی» که افشاگری‌های مهمی علیه پهلوی دارد

حالا فهمیدیم چرا پهلوی سقوط کرد!

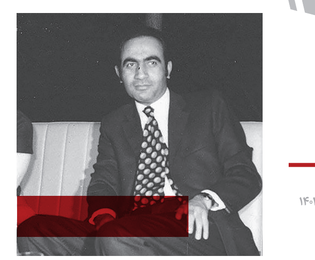

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

«نقشی که من داشتم از نقش وزیر بالاتر بود؛ به لحاظ مؤثر بودن، تا قبل از مصاحبه طولانی پرویز ثابتی با شبکه منوتو که در قالب مستندی پنج قسمتی پخش شد نام این شخصیت همیشه در کنار واژه شکنجه آمده بود اما این گفت‌وگو یا به عبارت بهتر این تک‌گویی طولانی بدنامی‌های جدیدی برای پرویز ثابتی به بار آورد که حتی عده‌ای از هواداران سرسخت سلطنت پهلوی را هم نسبت به نام او بدبین کرد. او با صحبت‌هایی که کرده به‌عنوان عامل اصلی سقوط پهلوی یا لااقل نمادی از عوامل سقوط آن حکومت معرفی شد. یک همه‌کاره کم‌عقل اما شیک. کاراکتری که به علت داشتن بسیاری از خصوصیات می‌تواند به نمادی از خود حکومت پهلوی هم تبدیل شود. ثابتی از دخالت‌هایش در عزل و نصب‌ها تا برخوردی که با روضه‌گران، هنرمندان، دانشگاهی‌ها و لایه‌های دیگر اجتماع کرد، اقدامات گسترده‌ای انجام داد که به‌وضوح می‌توان آنها را بسترساز سقوط یک رژیم سیاسی دانست. سازمانی که ثابتی در آن کار می‌کرد وقتی شاه در کاخ مرمر به دست یک روستازاده بی‌نشان به نام رضا شمس‌آبادی ترور شد، بی‌دست و پایی محض خودش را نشان داد و در عوض چند سال بعد وقتی ثابتی رئیس ساواک تهران شد با پایوش درست کردن برای چند نفر از چپ‌گراهای پرشور مثل خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان مبنی بر اینکه آنها قصد داشته‌اند ملکه و ولیعهد را بدزدند، سعی داشت غفلت و کم‌کاری قبلی را با نمایش جعلی جلوگیری از یک فاجعه پوشش بدهد و از خودش تصویر یک نیروی امنیتی متمایز با قبلی‌ها بسازد. این درحالی بود که همین دادگاه، اسم‌های قابل توجهی به حکومت شاه نزد اکثر عمومی وارد کرد. ثابتی بود که جعفر شریف‌امامی را به‌عنوان نخست‌وزیر به شاه پیشنهاد داد و شاه حتی به گریه افتادن مقدم، رئیس وقت ساواک که می‌گفت اگر شریف‌امامی رئیس‌الوزرا شود، کشور دو ماهه به کمونیست‌ها تحویل می‌رود و حتی بساعت‌های خرج و دیگران را وقعی ننهاد و کشور در کمتر از دو ماه دیگر چنان نارضایتی‌های وسیعی شد که حالت کاملا انقلابی گرفت. او حالا این قضیه را تکذیب می‌کند درحالی‌که اسناد موجهی در این خصوص وجود دارد. ثابتی که خودش ادعا می‌کند یک بهایی معتقد هم نیست و بارها خدا را باور ندارد، چنان برخورد تحقیرآمیزی با دین و مذهب غالب ایرانیان، یعنی اسلام و تشیع داشت که خشم عمومی حتی از دوران توهین‌آمیز سلطنت رضاخان فراتر رفت و کار به سرنگونی محمدرضا شاه کشید. با اینکه در زمانه ثابتی دوران استعمار سنتی به پایان رسیده بود ساواک به‌عنوان مستعمره سی‌آی‌ای فعالیت می‌کرد و این مستعمره هم جز در سلاخی زنده‌انیان دست‌بسته در هیچ ماجرای امنیتی و اجتماعی و سیاسی دیگری اقتدار نشان نداد. او حتی فارسی را خوب حرف نمی‌زند و شناختش از فرهنگ ایران به قدری پایین بود که فکر می‌کرد با انتشار رساله آیت‌الله خمینی مردم ایران را از او متنفر می‌کنند و این کار را درحالی انجام داد که خودش حتی لای آن کتاب را باز نکرده بود و هنوز وقتی جلوی دوربین منوتو می‌نشیند، می‌گوید در آن رساله طریقه جمع‌ با حیوانات توضیح داده شده است. چنین شخصیتی با چنین عقل و دانشی، همه‌کاره سیستم سیاسی پهلوی شده بود و خبرگیری‌های متعددش نهایتا کار را به نارضایتی گسترده مردم در سال‌های ۵۶ و ۵۷ رساند. حالا دیگر او را فقط شکنجه‌گر یا قصاب ساواک نمی‌شناسیم. ثابتی زبان گشوده و با شکستن سکوتش آن‌هم اسرارآمیز هم فور ریخت و وقتی حرف زدنش را دیدیم، دیگر به او نمی‌گوییم قصاب ساواک؛ بلکه می‌گوییم قصاب خنگ ساواک. حالا که ثابتی حرف زد، از دل تناقض‌های پرشمارش که برای پاسخ به نقدها برمی‌خیزد، ثابت‌تر می‌شود ذهن نامنسجم و پدرن چهارچوب او در مقام شناسیم که به عنوان یکی از مغزهای متفکر رژیم پهلوی فعالیت می‌کرد.

پرویز ثابتی که خودش هم می‌دانست آدم خوشنامی نیست تا سال‌ها پس از انقلاب در سکوت محض زندگی می‌کرد. سال ۹۱ ثابتی تصمیم گرفت حرف بزند و رویه‌روی شخصی به نام عرفان قانعی‌فرد نشست و آنچه گفت در کتابی تحت عنوان در دادگه حادثه؛ چاپ شد. کتاب که به چاپ رسید، ثابتی دوباره به مخفیگاهش برگشت و از آنجا که قانعی‌فرد شخصیتی به‌وضوح دروغ‌پاف بود، اصالت داشتن آن مصاحبه شدیدا زیر سوال رفت. قبل از انتشار کتاب در دادگه حادثه، قانعی‌فرد کتاب‌هایی ترجمه کرده بود از شخصیتی به نام رونای یاسین که ادعا می‌کرد یک کشور ایجاد می‌شود اتفاقات بسیار خوبی در حال شکل‌گیری است، «ی گفت: «مشکل اساسی ما مشکل اقتصاد است که سبب شده فعالیت‌های اساسی عمرانی، فرهنگی، اجتماعی و حتی روابط بین‌الملل تحت‌الشعاع قرار گیرد؛ خواهی اظهار داشت: «در حوزه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در بخش‌های مختلف ازجمله کتاب، معاونت هنری، معاونت مطبوعاتی، معاونت قرآنی و سایر حوزه‌ها اتفاقات بسیار بزرگی رخ داده است». «ی همچنین با اشاره به اقدامات رفاهی و بیمه فعالان قرآنی، عنوان کرد: «صندوق اعتباری هنر همه فعالان قرآنی، ناشران و هنرمندان را در کشور بیمه کرده است.» رئیس سازمان سینمایی، انجام اقداماتی در حوزه مسکن و توسعه فعالیت کتابخوانی در برخی استان‌ها را دیگر اقدامات برشمرد و گفت: «سال گذشته با توجه به توطئه‌هایی که در خارج کشور طراحی شده بود و بخش اعظم آن به حوزه فرهنگ برمی‌گشت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سال سختی را پشت سر گذاشت.» وی ادامه داد: «اینکه برخی از هنرمندان خواسته یا ناخواسته وارد این بازی شدند، بحث دیگری است اما کل طراحی سال قبل این بود که نگذاریم هیچ حرکت فرهنگی در کشور شکل بگیرد.» خواهی گفت: «امروز نه‌تنها کار نظام تمام نشده، بلکه قدرتمندتر از همیشه به حرکت خود ادامه می‌دهد و در آینده باعث افتخارات بزرگی در عرصه جهانی خواهد شد.» وی بیان کرد: «همه کسانی که سال گذشته برای ایران برنامه‌ریزی می‌کردند، امروز خودگرفتار مانده‌اند، اسرائیل سال گذشته با راه‌اندازی شبکه‌های خارجی و سرمایه‌گذاری در حوزه رسانه‌ها علیه مردم ایران خیلی هزینه کرد ولی اکنون در گرداب مانده است.»

ثابتی و دانشگاه

پرویز ثابتی در مورد برخوردش با دانشگاه‌ها و محیط‌های علمی کشور حرفی می‌زند که در حقیقت نشان‌دهنده نوع اعمال نفوذش در کار دولتمردان هم هست. او که در بخش دیگری از همین صحبت‌ها با شبکه منوتو گفته بود «نقشی که من داشتم از نقش وزرا بالاتر بود؛ به‌لحاظ مؤثر بودن»، جایی دیگر در مورد این حرف می‌زند که اجازه نمی‌داد اساتیدی با رتبه‌های علمی بالا، به‌دلیل داشتن دیدگاه‌های انتقادی نسبت به حکومت، در دانشگاه‌ها حضور داشته باشند. «وقتی نهاوندی رئیس دانشگاه تهران شده بود، رفته و به عرض (شاه) رسانده بود که همه روسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشور جمع شوند و چند نفر بیایند راجع‌به مسائل مملکت با اینها صحبت کرده که توجه کنند و فلان و اینها... من که رفتم آنجا صحبت کردم، بعضی از این روسای دانشگاه‌ها گفتند می‌دانیم (اگر) بعضی از این آدم‌هایی که در خارج درس خوانده‌اند را بیاوریم اینجا برای کار استادی، شما مخالفت می‌کنید. پس اینها بروند چه‌کاره شوند؟ گفتم اینها بروند وزیر شوند. وزیر که خطری ندارد؛ کما اینکه ما وزیر توده‌ای سابق داریم. بعدش هویدا گفت تو منلک به ما می‌اندازی؟» ثابتی با این نوع پاسخ دهی، هم اینکه به اسناد اجازه حضور در دانشگاه نمی‌دهد تاحدیث کرد، هم اشاره داشت که دولت هیچ‌کاره است و ساواک نفوذ اصلی در آنجا دارد.

ساواک و حرکت به‌سمت نابودی ادبیات فارسی

در زمینه برخورد با کتاب‌های ادبی هم ثابتی کارنامه روشنی دارد که نشان می‌دهد اگر سیاست ساواک ادامه پیدا می‌کرد و تا انتها اجرا می‌شد، کوکمر اثری از ادبیات ایران باقی نمی‌ماند. به‌عنوان مثال خودش در این مصاحبه اخیر می‌گوید: «آقای نهاوندی اجازه داده بود در دانشگاه تهران تحلیلی از صمد بهرنگی کنند. ما جلوی این کار را گرفتیم. من به نهاوندی گفتم تو چرا از تاد رایور (شاعر نزدیک به حکومت پهلوی) تحلیل نمی‌کنی؟ از صمد بهرنگی تحلیل می‌کنی که حالا شده نماد کمونیست‌ها؟» بعد او (نهاوندی) رفت و شکایت کرد به علیا حضرت و علیا حضرت من را خواست که شما چرا جلوی این چیزها را می‌گیرید؟ من اتفاقا مدارکم را بردم بودم. بهشان گفتم این آدم کمونیست است. کتاب‌هایی که نوشته، من یکی دوتایشان را آورده‌ام و به شما نشان می‌دهم که ببینید چرا کمونیست است. کتاب «اولدوز و کلاغ‌ها» از نوشته‌های صمد بهرنگی است. اولدوز اسم دختری است که نامادری دارد و پسر او مادرش را طلاق داده و زنی گرفته که با این دختر بدرفتاری می‌کند. او در خانه تنهاست و هر وقت تنها می‌شود، حوض یا استخری در خانه‌شان هست که جلوی آن معمولا صابون می‌گذاشتند. کلاغ این صابون‌ها را نوک می‌زده و می‌برده، تک‌تک این بود که اولدوز با کلاغ‌ها حرف می‌زند و به کلاغ‌ها می‌گوید کاری که شما می‌کنید دزدی است. کلاغ می‌گوید نه، در جایی که مساوات نیست، کسی می‌تواند چیزی داشته باشد و دیگری نداشته باشد، این دزدی نیست خیلی هم کار خوبی است. کتاب بهرنگی در زمینه تبلیغ کمونیستی بر این محور بود. (به فرج) گفتم شما اصلا می‌دانید که وجه حضور ساواک چه بوده؟ قانون ۱۳۱۰ است راجع‌به چیزهای اشتراکی، آن موقع که به هر حال چیزهای کمونیستی شروع شده بود، قانونی تصویب شده برای تعقیب کسانی که تبلیغ می‌کنند مرام و رویه اشتراکی را. با شما بیایید تبلیغ کمونیستی را آزاد کنید یا ما را تعطیل کنید. شما چرا فکر می‌کنید که ما کار خلاف قانون می‌کنیم؟»

چارسو

صداوسیما می‌گوید «جنگل پرتقال» با سیاست‌هایش نمی‌خواند!

رسول صدرعاملی، تهیه‌کننده و کارگردان سینما در حاشیه جشنواره میراث فرهنگی درباره اینکه چرا کمتر آثاری در سینما و تلویزیون به میراث فرهنگی کشورمان پرداخته‌اند به مهر گفت: «باعث تاسف است چون تعریفی که از سینمای ارزشی شده در این چند دهه به‌گونه‌ای بوده است که خیلی از مسائل و مضامین ارزشمند در این فهرست نیست ازجمله میراث فرهنگی که می‌تواند یکی از ارزشی‌ترین و بهترین‌های عرصه نمایش و هنر و ادبیات باشد.» وی با اشاره به برگزاری جشنواره میراث فرهنگی اضافه کرد: «عزت‌الله ضرغامی و دیگران ازجمله علی دارابی و علیرضا تابش و دیبر جشنواره میراث وارد عرصه‌ای شده‌اند که در آن قصد دارند با برگزاری چنین جشنواره‌هایی به میراث فرهنگی کشور بپردازند، پس باید کمکشان کرد تا جشنواره میراث فرهنگی را ارتقا داده و حتی بتوانند آن را به شکل بین‌المللی برگزار کنند.» صدرعاملی در ادامه درباره فیلم جنگل پرتقال که این روزها در سینماها درحال اکران است با ذکر گلایه‌ای نسبت به نبود تبلیغات آن در تلویزیون عنوان کرد: «وقتی می‌گویند پخش تیزر جنگل پرتقال امکان پذیر نیست و با اعتباری که به فیلم دادند تنها امکان پخش زیرنویس را تدریب و حرفشان هم این است که فیلم با سیاست‌های آنها نمی‌خواند من گیج می‌شوم، نمی‌دانم سیاست‌های مورد نظر آنها چیست.» وی در پاسخ به اینکه چقدر تلاش کرده است برای حل این مساله وارد گفت‌وگو شود، توضیح داد: «به نظرم گفت‌وگو می‌مورد است، به هر حال اعمال ما روی پرده است و فیلم می‌سازیم که دیگر حرف نزنیم، فیلم خودش بیانگر موضوع است و باید درک شود. باید کسی پشت میز مسئولیت بنشیند که زیبایی‌شناسی، فرهنگ ایران و جامعه‌شناسی بداند.» صدرعاملی درباره کارنامه خود و دغدغه‌ای که در فیلمسازی نسبت به دختران نوجوان دارد، نسبت به تولید اثر در تلویزیون با توجه به مخاطب فراگیر آن بیان کرد: «من دیگر خسته‌تر از این هستم که بخواهم سریال بسازم و اگر عمری باشد ترجیحم این است که کار سینمایی بسازم.» وی در ادامه درباره تهیه‌کنندگی در تلویزیون تصریح کرد: «اگر کار خوبی باشد مهم نیست چه کسی باعث و بانی آن است، بلکه باید ارزشمند باشد. قرقی ندارد در چه مدیایی باشد تلویزیون یا سینما، مهم این است که جای آن اثر خالی باشد.»

احداث ۴۳۰ سالن سینما در کشور تا پایان دولت سیزدهم

رئیس سازمان سینمایی گفت: «۴۳۰ سالن سینما تا پایان دولت سیزدهم به سالن‌های کشور افزوده خواهد شد و حمایت از فیلمسازان شهرستان‌ها نیز در دستور کار است.» محمد خزاعی، ۱۴ آذر در جلسه هم‌اندیشی درباره نیازهای فرهنگی، هنری شهرستان طبس افزود: «زمان آغاز دولت سیزدهم ۵۷۰ سالن سینمایی در ایران داشتیم که ۲۰۰ سال عمر انقلاب ساخته شده بود و چارعقب‌ماندگی عجیبی بودیم.» وی با بیان اینکه از لحاظ توزیع‌بندی سینما مقام ۱۲ دنیا را داریم گفت: «نسبت به کشورهایی که صاحب صنعت سینمایی نیستند حتی عقب‌افتادگی‌هایی در حوزه زیرساخت داشتیم اما ۲۳۴ سالن سینما طی دو سال گذشته در کشور افتتاح شد؛ امیدواریم تا پایان دولت سیزدهم به تعداد هدف‌گذاری شده برسیم.» معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اضافه کرد: «در دولت سیزدهم علی‌رغم فضاسازی‌های تبلیغاتی که در کشور ایجاد می‌شود اتفاقات بسیار خوبی در حال شکل‌گیری است.» وی گفت: «مشکل اساسی ما مشکل اقتصاد است که سبب شده فعالیت‌های اساسی عمرانی، فرهنگی، اجتماعی و حتی روابط بین‌الملل تحت‌الشعاع قرار گیرد.» خزاعی اظهار داشت: «در حوزه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در بخش‌های مختلف ازجمله کتاب، معاونت هنری، معاونت مطبوعاتی، معاونت قرآنی و سایر حوزه‌ها اتفاقات بسیار بزرگی رخ داده است.» وی همچنین با اشاره به اقدامات رفاهی و بیمه فعالان قرآنی، عنوان کرد: «صندوق اعتباری هنر همه فعالان قرآنی، ناشران و هنرمندان را در کشور بیمه کرده است.» رئیس سازمان سینمایی، انجام اقداماتی در حوزه مسکن و توسعه فعالیت کتابخوانی در برخی استان‌ها را دیگر اقدامات برشمرد و گفت: «سال گذشته با توجه به توطئه‌هایی که در خارج کشور طراحی شده بود و بخش اعظم آن به حوزه فرهنگ برمی‌گشت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سال سختی را پشت سر گذاشت.» وی ادامه داد: «اینکه برخی از هنرمندان خواسته یا ناخواسته وارد این بازی شدند، بحث دیگری است اما کل طراحی سال قبل این بود که نگذاریم هیچ حرکت فرهنگی در کشور شکل بگیرد.» خزاعی گفت: «امروز نه‌تنها کار نظام تمام نشده، بلکه قدرتمندتر از همیشه به حرکت خود ادامه می‌دهد و در آینده باعث افتخارات بزرگی در عرصه جهانی خواهد شد.» وی بیان کرد: «همه کسانی که سال گذشته برای ایران برنامه‌ریزی می‌کردند، امروز خودگرفتار مانده‌اند، اسرائیل سال گذشته با راه‌اندازی شبکه‌های خارجی و سرمایه‌گذاری در حوزه رسانه‌ها علیه مردم ایران خیلی هزینه کرد ولی اکنون در گرداب مانده است.»

سود ۴۲ درصدی سهامداران از فروش یک فیلم سینمایی

در فرآیند تولید فیلم سینمایی «بخارست» به کارگردانی مسعود اطیایی اعلام شد سرمایه اولیه تولید این اثر از طریق بازار سهام و سرمایه‌گذاری مردمی تأمین خواهد شد. علی طوفعی، تهیه‌کننده، از این فیلم درباره سرانجام این تجربه توضیح داد: «خوشبختانه با توجه به اکران خوبی که فیلم سینمایی «بخارست» داشت، پیش‌بینی‌ای که از فروش آن داشتیم محقق شد و به همین دلیل سهامداران فیلم هم به اصل پول خود رسیدند و هم سود حاصل از سرمایه‌گذاری خود را دریافت کردند.» او همچنین گفت: «سود حاصل از فروش فیلم «بخارست» ۴۲ درصد بود بودند، به میزان ۴۲ درصد سود کردند. ما از ۵۰۰ هزار تومان تا چند میلیون تومان، سرمایه‌گذاری در فیلم داشتیم که هر یک ۲۲ درصد سود سرمایه خود را دریافت کردند. اگر کسی ۱۰۰ میلیون تومان برای تولید این فیلم سرمایه‌گذاری کرده بود، از فروش فیلم ۱۲۲ میلیون تومان سهم برد و بازگشت سرمایه داشت که شامل اصل پول و سود حاصل از آن می‌شد.» طوفعی درباره تعداد افراد سرمایه‌گذار در این فیلم هم گفت: «حدود ۲۱۵ نفر در سرمایه‌گذاری مردمی این فیلم مشارکت داشتند. ماپیوزه‌اروی سکری مشخصی تعریف کردیم که روی همان سکو ۲۱۵ نفر مبالغی را سرمایه‌گذاری کردند.» این تهیه‌کننده درباره احتمال تکرار این تجربه در سینمای ایران توضیح داد: «با توجه به اینکه در این پروژه ما ریسک سرمایه‌گذاری را به‌طور کامل حذف کرده بودیم، پروژه به مرحله اجرا رسید. در این تجربه‌ها مهم این است که چه کسی ریسک کار را تقبل می‌کند و خیلی‌ها این ریسک را نمی‌پذیرند. از آنجایی که به‌عنوان تهیه‌کننده ریسک این سرمایه‌گذاری را قبول کردم، پروژه توانست به مرحله اجرا برسد و تأیید فرابورس را هم گرفت.»

وی افزود: «خوشبختانه در این پروژه به سود رسیدیم اما این تجربه اولین و تنها پروژه سینمایی محسوب می‌شود که با این فرایند به تولید می‌رسد. قواعد و قوانین فرابورس، خیلی منطبق با شرایط تولید در عرصه سینما و هنر نیست. بیشتر پروژه‌های بازرگانی و تجاری در این فرایند مدنظر بوده‌اند و می‌توان به راحتی در فرابورس سراغ آنها رفت. در حوزه سینما، شرایط به‌گونه‌ای است که ابتدا باید همه قراردادهای عوامل بسته شده باشد و بعد امکان ورود به فرابورس وجود دارد و همین پیش‌شرط کار را برای سینمایی‌ها سخت می‌کند.»

چرا نویسنده «شرلوک هولمز» راکشت؟

گفته می‌شود «آرتور کانن دویل» از شخصیت شرلوک هولمز که خودش خلق کرده بود متنفر بود، اما دلیل این نفرت پنهان که این نویسنده را به اوج شهرت و ثروت رساند چه بود؟ به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، «لوسی وریسلی» که یک موزخ است می‌گوید: «آرتور کانن دویل» از ساخته خود یعنی داستان‌های جنایی پلیسی شرلوک هولمز متنفر بود و شخصیت این کارآگاه را مسئول دیده نشدن داستان‌های تاریخی برجسته‌اش می‌دانست. پس از این‌که داستان‌های جنایی «شرلوک هولمز» در سال ۱۸۹۱ در یک مجله ظاهر شد، دویل از فردی ناشناس به شهرتی جهانی پرتاب شد و ۱۱ سال بعد نشان شوالیه دریافت کرد. «کانن دویل» در تلاش برای یافتن ناشر برای داستان‌های شرلوک هولمز بود و پس از زد شدن توسط چند ناشر، سرانجام این داستان‌ها توسط ناشر چهارمی پذیرفته شد و آنها گفتند که این کار دقیقا همان چیزی است که آنها به دنبال آن بودند: «داستان‌های سبک»! داستان‌های هولمز برای «کانن دویل» سودآور بود، اما این نویسنده تصمیم گرفت پس از به دست آوردن پول کافی از این شخصیت او را بکشد و در یک داستان در سال ۱۸۹۳ او را با لگی آبشاری در سوئیس به پایین پرت کرد. با این وجود یک دهه بعد، زمانی که یک ناشر آمریکایی به او پیشنهادی معادل ۱.۶ میلیون دلار داد، این نویسنده وسوسه شد و این شخصیت را دوباره زنده کرد. این موضع می‌نویسد: «گرچه «آرتور کانن دویل» شهرت خود را به عنوان یک نویسنده و اهدار شرلوک هولمز است اما در خلوت خود از این شخصیت متنفر بود؛ چراکه فکر می‌کرد موفقیت این داستان‌های جنایی باعث شده تا دیگر آثار تاریخی و برجسته او هیچ‌گاه دیده نشود و حالا ۹۳ سال پس از مرگش، اغلب رمان‌های تاریخی‌اش خوانده نشده است، درحالی‌که کارآگاه ارزان- اما محبوبش - برای همیشه در اذهان افراد ماندگار شده است.» شرلوک هولمز محبوب‌ترین کارآگاه تخیلی تاریخ است، «کانن دویل» چهارمرمان و ۵۶ داستان کوتاه درباره تعقیب مجرمان توسط این مغز متفکر با استفاده از مهارت‌های مشاهده‌ای و قدرت استنتاج این کارآگاه نوشت. بیشتر داستان‌ها توسط دستیار هولمز یعنی دکتر واتسون، روایت می‌شوند. داستان‌های شرلوک هولمز برای تئاتر، فیلم و تلویزیون مورد اقتباس قرار گرفته‌اند و بیندیکت کامبربچ، پیتر کوشینگ، راجر مور، ایان مک‌کلن، مایکل کین، چارلتون هستون، جاناتان پرایس و جرمی برت از جمله کسانی هستند که نقش این کارآگاه را بازی کرده‌اند.

ادامه از صفحه ۱۳

ثابتی و تفسیرهای سینمایی‌اش

ثابتی قبلا به این اعتراف کرده بود که داریوش اقبالی را به‌خاطر خواندن تزانه‌ای با این مضمون که «ن.پوش او از پوست پلنگ است»، تن‌پوش من از تاوان»، زندانی کرده بود. از آنجایی که اشرف پهلوی یک پالتوی پوست پلنگ معروف داشت، ظاهرا ثابتی همین را بهانه زندانی کردن این خواننده قرار داده بود. در کمیسیون من چند تا از این فیلم‌ها را نشان دادم. مثلا (در یک فیلم)، یک جالبزیری دارد در مشهد. یک مترسک هم همیشه در این جالبزها می‌گذارند که کلاغ‌ها نیایند و به محصولات نوک نزنند. کمونیست‌ها هم از قدیم به ساواک می‌گفتند مترسک و کلاغ هم سمبل اتحاد، مبارزه و پیروزی است. می‌دانید که اگر شما یک سنگ به بچه کلاغ بزنید، همه کلاغ‌های منطقه می‌آیند و می‌ریزند سرتان. این فیلم نشان می‌داد که یک کلاغ به جالیز می‌آمد و آنقدر به زمین نوک می‌زد که آب راه می‌افتاد و مترسک را می‌انداخت. این تبلیغی بود که کمونیست‌ها می‌کنند و ما باید اینقدر این کارها را کثیف کنیم که این مترسک، یعنی دستگاه‌های امنیتی را بیندازیم.»

اسلام‌شناسی ساواک

یکی از شاهکارهای پرویز ثابتی در صحبت‌های اخیرش جایی است که به رساله‌های عملیه علمای اسلام اشاره می‌کند. یک نوع اسلام‌سنیزی لمپنیستی در بخش کوچکی از جامعه ایران وجود دارد که با پایین‌ترین سطح هوش و سواد به موضوع نگاه می‌کند و مرتبا توهین‌ها و متلک‌های حیرت‌انگیز و بی‌ربط به احکام و مضامین اسلام می‌زند. این بخش از صحبت‌های ثابتی از آن جهت شاهکار است که سطح هوش، سواد و درایت چنین جماعتی را نشان می‌دهد و از آنجایی که همین طیف فکری عقب‌مانده در زمان پهلوی نفوذ و غلبه کاملی بر دستگاه فکری حکومت داشتند، معلوم می‌شود که چرا آنها نتوانستند هیچ نسبتی با جامعه پیدا کنند و چرا رژیم پهلوی سقوط کرد. ثابتی حتی متوجه نیست که هر نوع رابطه جنسی با حیوانات طبق قوانین اسلام و مذهب تشیع گناه کبیره است یا در مورد رابطه جنسی با بچه شیرخواره بردن و پلاهایی می‌گوید که حتی ارزش پاسخگویی ندارند و فقط نشان می‌دهند که سطح دانش و عقل گوینده‌شان چقدر است. او می‌گوید: «ما می‌گوییم شما حتی کتاب‌های خمینی را نمی‌گذاشتید منتشر شود که مردم بفهمند چه می‌گوید (که اگر می‌فهمیدند لابد از او برنمی‌گردان می‌شدند). ما اتفاقا جمع نمی‌کردیم. و چرا رژیم پهلوی سقوط کرد. ثابتی حتی در این که هر نوع رابطه جنسی با حیوانات طبق قوانین اسلام و مذهب تشیع گناه کبیره است یا در مورد رابطه جنسی با بچه شیرخواره بردن و پلاهایی می‌گوید که حتی خود رسیدند و هم سود حاصل از سرمایه‌گذاری خود را دریافت کردند.» او همچنین گفت: «سود حاصل از فروش فیلم «بخارست» ۴۲ درصد بود بودند، به میزان ۴۲ درصد سود کردند. ما از ۵۰۰ هزار تومان تا چند میلیون تومان، سرمایه‌گذاری در فیلم داشتیم که هر یک ۲۲ درصد سود سرمایه خود را دریافت کردند. اگر کسی ۱۰۰ میلیون تومان برای تولید این فیلم سرمایه‌گذاری کرده بود، از فروش فیلم ۱۲۲ میلیون تومان سهم برد و بازگشت سرمایه داشت که شامل اصل پول و سود حاصل از آن می‌شد.» طوفعی درباره تعداد افراد سرمایه‌گذار در این فیلم هم گفت: «حدود ۲۱۵ نفر در سرمایه‌گذاری مردمی این فیلم مشارکت داشتند. ماپیوزه‌اروی سکری مشخصی تعریف کردیم که روی همان سکو ۲۱۵ نفر مبالغی را سرمایه‌گذاری کردند.» این تهیه‌کننده درباره احتمال تکرار این تجربه در سینمای ایران توضیح داد: «با توجه به اینکه در این پروژه ما ریسک سرمایه‌گذاری را به‌طور کامل حذف کرده بودیم، پروژه به مرحله اجرا رسید. در این تجربه‌ها مهم این است که چه کسی ریسک کار را تقبل می‌کند و خیلی‌ها این ریسک را نمی‌پذیرند. از آنجایی که به‌عنوان تهیه‌کننده ریسک این سرمایه‌گذاری را قبول کردم، پروژه توانست به مرحله اجرا برسد و تأیید فرابورس را هم گرفت.»

نقدپذیری شاه

محمدرضا پهلوی معروف است به شاهی که نمی‌خواست واقعیت‌ها را بشنود و فقط دنبال مجیزگویی و توصیفات مثبت در مورد روندهای نوشته‌اند! کسی این را نوشته؟ امینی برای ما نقل‌قول سر کار باشد.»، بعد او اشاره می‌کند بعضی از انتصابات را مورد اشاره قرار داده‌ام که در افکار عمومی بدنام بودند و درنهایت گفته بود اگر به لحاظ وجهه بین‌المللی اصرار هست که انتخابات آزاد باشد، شهر به شهر آرایش آزا جنوبی و چنان است... (و جبهه ملی در شهرهای بزرگ برنده می‌شود)، ثابتی می‌گوید فردوست گزارش را دیده بود و زیرش نوشته بود من تصور نمی‌کردم به این زودی ساواک به مرحله‌ای برسد که چنین گزارش کامل و آبجکتیوی تهیه کند.» فرستادیم برای اعلیحضرت و غوغا شد.» این مزخرفات چیست که نوشتید. می‌خواهند از من فرانکو بسازند. باز دوباره تحقیقات از من شروع شد... فردوست که به‌عنوان قائم‌مقام ساواک این گزارش را تحلیل کرده بود، مسئول تحقیق شد که من چرا چنین چیزی نوشته‌ام. باز یک مدتی من آنجا مورد تحقیق، حالا بازجویی نمی‌کرد (با خنده) و سوال و جواب قرار گرفتم.»

۳- در گزارش هایی که ما می‌دیدیم، چیزهای منفی بود و نواقص را نشان دولت امینی را با شرایط مساعدی بدرقه کرد. این آخرین عبارت من بود. فرستادیم و جنجال شد. (شاه گفت) این مزخرفات چیست که کمیسیون من چند تا از این فیلم‌ها را نشان دادم. مثلا (در یک فیلم)، یک جالبزیری دارد در مشهد. یک مترسک هم همیشه در این جالبزها می‌گذارند که کلاغ‌ها نیایند و به محصولات نوک نزنند. کمونیست‌ها هم از قدیم به ساواک می‌گفتند مترسک و کلاغ هم سمبل اتحاد، مبارزه و پیروزی است. می‌دانید که اگر شما یک سنگ به بچه کلاغ بزنید، همه کلاغ‌های منطقه می‌آیند و می‌ریزند سرتان. این فیلم نشان می‌داد که یک کلاغ به جالیز می‌آمد و آنقدر به زمین نوک می‌زد که آب راه می‌افتاد و مترسک را می‌انداخت. این تبلیغی بود که کمونیست‌ها می‌کنند و ما باید اینقدر این کارها را کثیف کنیم که این مترسک، یعنی دستگاه‌های امنیتی را بیندازیم.»

ما چه آزادی داده بودیم به اینها؟
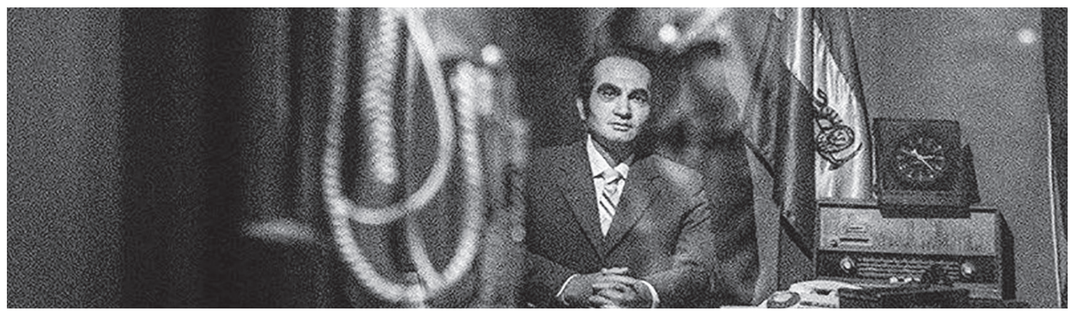
ثابتی در جایی از صحبتش ابتدا گسترش مساجد و مراکز مذهبی در زمان پهلوی -که البته همواره با توجه به رشد جمعیت ایران تداوم داشته و ربطی به پهلوی ندارد- را به عنوان یک رفتار غلط می‌پذیرد و بعد در مقام پاسخ‌دهی می‌گوید: «مساله این نیست که ما (ساخت مساجد و مراکز مذهبی را) آزاد کرده بودیم. حتی بعضی جاها اعلیحضرت اجازه نمی‌داد که توسعه پیدا بکند و در قم طلبه برود و (مدرسه) درست بشود.» او می‌گوید عده‌ای تجدد‌ستیز بودند و عده‌ای پول‌دار شده بودند و می‌خواستند مسجد بسازند که هیچ‌کدام از اینها جنبه سیاسی نداشت و بعد با بیان فارسی بسیار ضعیف و الکنن، به توضیحاتی می‌پردازد که نمی‌توان آنها را در چند جمله مشخص خلاصه و دسته‌بندی کرد؛ اما یکی، دو ساعت جلوتر جملات جالب‌تری هم می‌گوید. مجری می‌پرسد، یک نقد که به ساواک هست اینکه همه تمرکزش را گذاشته بود روی گروه‌های کمونیستی و چپ، و آخوندها را رها کرد به حال خودشان. شما جواب‌تان به این حرف چه است؟» ثابتی پاسخ می‌دهد «چطور پس ما این همه آخوند در زندان داشتیم؟ همه اینهایی که آمدند و بعد شدند رهبر، از رفسنجانی گرفته تا کروبی و فلان و اینها، همه‌شان زندانی بودند دیگر. ما چه آزادی داده بودیم به اینها؟» ۶۰ نفر آخوند تبعیدی داشتیم، ۶۰-۷۰ نفر زندانی آخوند داشتیم. ما چه آزادی داده بودیم؟ و جلوتر باز هم ادامه می‌دهد: «ملا منتظری... منتظری هم زندان بود، طالقانی هم زندان بود. همه سران این آخوندها در زندان بودند. ما چی‌چی را ول کرده بودیم؟»